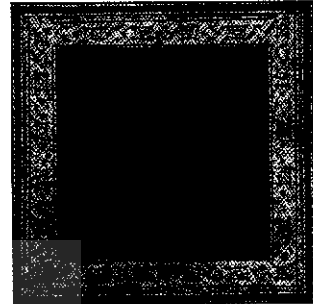


# زَمخْشَرِي وَ كَشَاف

دکتر سید بابک فرزانه<sup>۱</sup>

اکرم زمانی محمودی<sup>۲</sup>



## چکیده

یکی از مفسران سده ۶ ق محمودین عمر زَمخْشَرِي ملقب به جارالله است. او برخاسته از سرزمین خوارزم و ایرانی زاده‌ای است که حاصل حیاتش بیش از ۵۰ اثر بود. تفسیر او به نام «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل» سبب شهرت جهانی وی گشت. این کتاب به روش اجتهادی و به درخواست علمای معتزله نگاشته شده و ویژگی ممتاز آن بیان نکات بلاغی آیات است.

کشاف مورد توجه مفسرانی چون طبرسی قرار گرفت.

زَمخْشَرِي بر آن بود که اعجاز قرآن در بلاغتش نهفته و می گفت: مفسر باید به این علم (بلاغت) احاطه کامل داشته باشد. زَمخْشَرِي در این تفسیر با رویکرد کلامی، از آراء معتزلی اش دفاع کرده و عقل را در جهت تبیین آیات به کار گرفته، همچنین از روایات، نحو، لغت، قرائت و فقه هم بهره برده است.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، تفسیر، زَمخْشَرِي، کشاف بلاغت.

## مقدمه

دانش تفسیر مراحل مختلفی را پشت سر گذارده است. نخست توسط شخص رسول الله (ص) آغاز شد و با رهنمودهای ائمه معصومین (ع) ادامه پیدا کرد. بدین ترتیب تفسیر ماثور (نقلی) شکل گرفت. از طرفی برخی از صحابه به این مهم پرداختند. لیکن در دوران بعد، تابعین با اظهار نظرهای خود و حمایت از آراء خاص در مسائل مذهبی موجب اختلافات و پیدایش تفسیر اجتهادی (عقلی) شدند. حسن بصری (د. ۱۱۰ق) و قتاده (د. ۱۱۸ق) که از عدلیه به شمار می رفتند، از جمله آنانند (بهرامی، ۲۳۲/۳).

تفاسیر اجتهادی مبتنی بر رأی و ذوق مفسر بودند و به انواع گوناگونی چون ادبی، عرفانی، فقهی و کلامی تقسیم می شوند.

کشف از جمله تفاسیر اجتهادی ادبی شمرده شده و همواره مورد عنایت دانشمندان اسلامی به ویژه مفسران شیعه واقع گردیده است.

## زندگی نامه زمخشری

زمخشری در ۲۷ رجب ۴۶۷ق در روستای زمخشر از توابع خوارزم به دنیا آمد (باقوت، ۱۲۷/۱۹). پدرش عالم روستا و نخستین معلم او در حفظ و قرائت و مادرش زنی صالح بود. زمخشری قطع پای خود را به سبب نفرین مادر دانسته و می گوید: در کودکی پای گنجشکی را قطع کردم و مادرم گفت: «قطع الله رجلک كما قطعتم» (ابن عماد، (۲) ۱۱۹/۴).

زمخشری همسری اختیار نکرد و در تمام عمر کوشش خود را مصروف علم و دانش کرد (ابوموسی، ۵۶).

زادگاه او امروزه با نام «ایزمخشر» نامیده می شود که در شمال ترکمنستان واقع گردیده است. لقب وی جار الله بر خاسته از اقامت او در مکه است (ابن خلکان، ۱۶۹/۵).

او را استاد الدنيا، استاد العرب و العجم، امام الدنيا، فخر خوارزم نیز خوانده اند (قفطی، ۲۶۸/۳؛ نیز رک: گلدزیهر، ۱۴۱).

زمخشری که با پای چوبین حرکت می کرد سفرهای متعددی داشته و از محضر استادان مختلف

دینی کسب فیض کرد تا به مرتبه استادی رسید. پس از تحصیل علوم مقدماتی به بخارا سفر کرد و از آن جا به نیشابور، خراسان، اصفهان، بغداد و سرانجام در مکه اقامت گزید. او معتقد بود مجاورت بیت الله آثار معنوی فراوان دارد و مؤمن باید سرزمینی را برای سکونت انتخاب کند که قلبش تسلیم تر و دینش صحیح تر و عبادتش بیشتر باشد و می گفت سرزمین ها از این نظر متفاوتند (کشاف، ۴۶۰/۳).

زمخشری حنفی مذهب بود و عقیده معتزلی داشت. اما در مقابل مخالفان تعصبی نشان نداده و در تفسیرش حتی قول شافعی را مطرح کرده است (همان، ۲۶۹/۱). برخی معاصران معتقدند او در اواخر عمرش به تشیع گرایده است و استناد به اشعاری از وی کردند که عبارت است از (مقدمه کشاف «ح»).

و اکتمه کتمانہ لی اسلم	اذا سألوا عن مذهبی لم ابیح به
اییح الطلا و هو الشراب المحرم	فان حنفیاً قلت قالو باننی
اییح لهم اکل الکلاب و هم هم	وان مالکیا قلت قالوا باننی
اییح نکاح البنت و البنت تحرم	وان شافعیاً قلت قالوا باننی
ثقیل حلولی بغیض مجسم	وان حنبلیاً قلت قالوا باننی

از طرفی می بینم زمخشری در کتاب ربیع الأبرار روایاتی را آورده که حاکی از علاقه اش به اهل بیت (علیهم السلام) است (۸۲۷۱ و ۸۲۸) اما باید گفت مطرح کردن این احادیث یا اشعار، ارتباطی با عقیده اصلی او ندارد بلکه وی مسلمانی است که اهل بیت (ع) را بزرگ می شمارد. با اینهمه می بینم به مناسبت های مختلف در تفسیر، پرده از اعتقادش برداشته و از مواضع اعتزال دفاع می کند. او از علمای پرآوازه بود که در هر یک از رشته های علمی تبحر داشت و در ادبیات و نحو، برخوردار از مکانتی والا وقتی وارد شهری می شد، اطرافش را گرفته و در مجلس درس او شرکت می کردند (داودی، ۳۱۵/۲؛ نیزرک: سمعانی، ۱۶۳/۳).

گروهی از او اجازه روایت، دریافت کرده بودند از جمله: زینب بنت الشعری (د. ۶۱۵ ق) و رشید الدین وطواط (صاوی، ۴۷) در میان استادان جار الله، ضبی اصفهانی معروف به ابومضر

بیشترین تأثیر را بر شخصیت او داشت. ادبیات را از او آموخته و از جهت عقیدتی هم از وی تأثیر پذیرفت. تا جایی که مانند وی پیرو اعتزال گشت. زمخشری که به ضبی علاقه فراوان داشت در اشعار متعدد او را ستوده است (یافعی، ۲۷۰/۳؛ نیزرک: حوفی، ۴۹) دیگر استاد او حاکم جشمی (د. ۴۹۴ ق) صاحب تفسیر تهذیب التفسیر، زیدی معتزلی بود.

زمخشری همان طور که از علمای فاضل بهره برده شاگردان متعددی داشته و استادان زیادی چون علی بن محمد خوارزمی از مفسران معتزله و یعقوب بن علی بلخی از پیشوایان نحو، محمد بن ابی القاسم خوارزمی ملقب به زین المشایخ پیشرو در ادبیات و صاحب «الاعجاب فی الاعراب و البدایة» تربیت کرده است (مهدوی راد، ۷۳).

سرانجام این دانشمند اسلامی شب عرفه ۵۳۸ ق در جرجانیه و پس از بازگشت از مکه درگذشت (کحاله، ۱۸۶/۱۲).

## آثار

- برو کلمان ۲۲ اثر (507-513/1) و یاقوت (۱۳۴/۱۹) نیز حدود ۵۰ کتاب و رساله از او برشمرده‌اند. علاوه بر کشف برخی از دیگر آثار او از این قرار است:

۱- المفصل، مشهورترین کتاب زمخشری در علم نحو که مهمترین شرح آن از ابن یعیش (د. ۶۴۳ ق) دانشمند بغدادی نگاشته است. خلاصه این کتاب با عنوان الأنموذج توسط خود زمخشری نگاشته شده که در مجموعه جامع المقدمات از کتب درسی طلاب به طبع رسیده است.

۲- الفائق فی غریب الحدیث.

۳- مقدمة الادب، یک معجم عربی فارسی که با ترجمه خوارزمی هم نوشته است.

۴- اساس البلاغة.

۵- اطواق الذهب فی المواعظ والخطب.

۶- القسطاس فی العروض المقامات.

۷- الجبال والأمكنة و المیاه.

۸- المنهاج في الاصول که توسط خاورشناسی به نام اشمیتکه تحقیق شده است.

### معرفی کشاف

انگیزه نگارش این کتاب به گفته مؤلف، درخواست علمای معتزله بوده است. وی ابتدا از آن سرباز زده اما سرانجام نگارش آن را آغاز کرده است (مقدمه کشاف «س»). زمخشری در وصف کشاف می گوید: (یاقوت، ۱۲۹/۱۹)

ان التفاسیر فی الدنیا بلا عدد و لیس فیها لعمری مثل کشافی  
ان کنت تبغی الهدی فالزم قراءته فالجهل کالداء و الکشاف کالشافی

وی می افزاید نگارش این کتاب بیش از ۳۰ سال وقت می طلبید که به لطف خدا در مدت خلافت ابوبکر به اتمام رساندم و این نشانه ای از برکات بیت محرم بود که به من افاضه شد. (مقدمه کشاف «ع») وی در انتهای تفسیر به پایان نگارش اشاره کرده و می نویسد در ۲۳ ربیع الآخر سال ۵۲۸ هجری از آن فارغ شدم (کشافه ۸۲۵/۴) یعنی به سن ۶۰ سالگی و بلوغ علمی اش این کتاب را به رشته تحریر درآورده چنانچه آمده او هنگامی که الکتاب سیبویه را به یکی از علمای اندلس درس می داد نگارش تفسیر کشاف را به پایان برده است (ضیف، ۲۸۳).

همانطور که گفته شد روش تفسیری این کتاب اجتهادی است که نویسنده با رویکرد ادبی و کلامی آیات را تفسیر کرده است. ابن خلدون آن را بهترین تفسیر ادبی معرفی کرده است (مقدمه، ۴۰۷). از آنجائی که زمخشری معتزلی است از روش تفسیری معتزله بهره برده و آیات را براساس روایات و یا آیات دیگر مورد توجه قرار داده است. مثلاً ذیل آیه ۳۷ سوره بقره «فتلقى آدم من ربه کلمات ...» در تفسیر لفظ کلمات به ۲۳ اعراف ارجاع داده و می گوید: منظور از کلمات این است رینا ظلمنا انفسنا ... (کشاف، ۱۲۸/۱).

زمخشری در نگارش کشاف از منابع گوناگون بهره جسته است. از جمله تفسیر مجاهد، الکتاب سیبویه، الکامل مبرد و الحيوان جاحظ (رک: کشافه ۱۱۲/۲، ۲۰/۱، ۲۱۸/۱، ۱۰۰/۴) صاحب منهج معتقد است که زمخشری غیر از صحیح مسلم مصادر حدیثی را صراحتاً نیاورده و از عبارت فی الحدیث استفاده کرده است و مصحف ابن مسعود، ابی و مصاحف اهل شام نیز از ماخذ

قرائت در کشاف است (صاوی، ۸۹-۹۰).

شرح‌ها و حاشیه‌هایی بر این کتاب به رشته تحریر درآمده است. از جمله الانتصاف ابن منیر (د. ۶۸۳ق)، الانتصاف عراقی (د. ۷۰۴ق)، اقتصار الکشاف محمد بن علی فارسی (د. ۷۴۵ق) قطبة الخشاف لحل خطبة الكشاف فیروز آبادی (د. ۸۱۷ق)، درر الأصداف من حواشی الكشاف یحیی علوی (د. ۷۵۰ق) (برای آگاهی بیشتر از این شرح‌ها رک: حاجی خلیفه، ۱۴۷۷/۲). زرقانی نیز در کتابش از حاشیه ابن کمال باشازاده، علاء الدین، شیخ صدر و رهاوی یاد می‌کند (ص ۶۰).

کشاف دارای چاپ‌های مختلفی است. از جمله کلکته (۱۲۷۶ق)، قاهره (۱۲۸۱ق و ۱۳۰۷ق) و بیروت، سال‌های متعدد.

ویژگی خاص کشاف یعنی توجه به اعجاز قرآن با استفاده از ابزار بلاغت سبب شده که مفسران بعد، از آن تأثیر پذیرند. مثلاً طبرسی در مقدمه جوامع الجامع می‌گوید: بعد از فراغت از مجمع البیان، کشاف را ملاحظه کردم. معانی بدیع و لطائف سبب شد تا کتابم را با نام الکافی الشافی تلخیص گردانم (طبرسی، ۲/۱ و ۳) و پس از آن جوامع الجامع را مختصرتر از مجمع و گسترده‌تر از الکافی نگاشت.

کشاف نظر مخالفانش را نیز به خود جلب کرده و آنان با دیده تحسین بدان نگریسته‌اند فخر رازی در التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) بر کشاف تکیه کرده و به آن ارجاع می‌دهد. مانند تفسیرش ذیل آیه ۱۸ سوره توبه که نظر زمخشری را بهترین رأی دانسته است (فخر رازی، ۱۷۱۶). بیضاوی نیز از جمله مفسرانی است که از کشاف تأثیر پذیرفته و می‌توان گفت تفسیرش چکیده‌ای از کشاف است. این مطلب در ذیل آیه بسم الله الرحمن الرحیم کاملاً مشهود است (ص، ۵).

### مبانی تفسیری کشاف

۱- بلاغت: مبنای اولیه کشاف بیان اعجاز قرآن با استفاده از بلاغت بوده که سرچشمه آن رأی و نظر جاحظ (د. ۲۵۵ق) است. جاحظ نظم قرآن (ارتباط کلمات با هم) را از وجوه اعجازش

شمرده و معتقد است نظم قرآن دلیلی بر حقانیت و راستی اش است آن چنان که هیچ یک از بندگان نمی توانند مثل آن را بیاورند (الحيوان، ۹۰/۴). سپس جرجانی (د. ۴۷۱ ق) این نظر را به اوج رسانده و می گوید: نظم در فهم قرآن اهمیت ویژه دارد (دلایل الاعجاز، ۲۳۶). بعد از آن هم زمخشری برای تفسیر قرآن از بلاغت استفاده کرده و رموز آیات را بدین وسیله نشان می دهد.

او در ابتدای تفسیرش می گوید: فقیه، متکلم، محدث و نحوی در صورتی راه حقیقت را طی می کنند که در علم مخصوص به قرآن یعنی بلاغت ورزیده شوند (مقدمه کشف، «ن»). او عدم دقت مفسر را در علم بیان به نابینایی تشبیه کرده که تأویل آیات را نمی بیند (کشف، ۶۵۵/۱). زمخشری معتقد است که مهمترین وجه اعجاز قرآن نظم است و مفسر باید آن را در نظر بگیرد (کشف، ۶۳۳) و یا ذیل ۴۹ زمر می گوید: اگر علم نظم نبود تمام این اسرار پنهان بود (همان، ۱۳۴/۴).

یعنی علم نظم را که بیانگر روابط جمله هاست کاشف رموز قرآن می داند و در مناسبت های مختلف به آن اشاره و ترغیب به دقت کرده است. مثلاً ذیل آیه ۸۸ سوره نمل می گوید: فانظر الی بلاغة هذا الکلام و حسن نظمه و ترتیبه (همان، ۳۸۷/۳).

**۲- اعتزال:** بیان آراء و اندیشه های معتزله دومین مبنای زمخشری است وی در این کتاب تنها فرقه نجات بخش را علمای عدل و توحید (یعنی معتزله) معرفی کرده است (همان، ۳۴۴/۱). پیدایش اعتزال از سال ۱۰۰ تا ۲۵۵ ق و در اواخر عصر امویان بود (امین، ۹۰/۳). این عقیده نخستین بار توسط «واصل بن عطاء» مطرح می شود، و اصل فردی را که گناه کبیره انجام داده نه کافر می داند و نه مؤمن بلکه منزلتی بین آن دو برایش معرفی می کند (ذهبی، ۳۶۸/۱). معتزله دارای ۵ اصل هستند: توحید، عدل، وعد وعید، منزله بین المنزلتین و امر به معروف و نهی از منکر. ایشان اصحاب عدل و توحید و قدریون نیز نامیده شدند و چند طائفه اند. از جمله: واصلیه، نظامیه، هذیلیه، جاحظیه و ... که در مواردی متفق القولند. مثلاً خداوند را قدیم دانسته و معتقد بودند که بنده، خود خالق افعالش است. لذا مستحق ثواب و عقاب است و وارد شدن تکالیف

از طرف خداوند لطفی به بندگان است که توسط انبیاء برای آزمایش آنها فرستاده است (بغدادی، ۹۳-۹۶؛ نیز رک: شهرستانی، ۵۷/۱-۵۹).

در کشف به اصول اعتزال توجه شده مثلاً به نمونه های زیر توجه نمایید:

الف - ان الدین عند الله الاسلام ... (آل عمران، ۱۹) ان الاسلام هو العدل و التوحید (اسلام همان عدل و توحید است).

ب - ... فلا تلوموني و لوموا انفسکم... (ابراهیم، ۲۲) و هذا دليل على أن الانسان هو الذي يختار الشقاوة أو السعادة و يحصلها لنفسه و ليس من الله الا التمكين و لا من الشيطان الا التزيين (انسان خود، شقاوت یا سعادت را انتخاب کرده و شیطان فعلش را تزیین می کند).

ج - الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوة و... (البقرة، ۳) فان قلت: ما الايمان الصحيح؟ قلت: أن يعتقد الحق و يعرب عنه بلسانه و يصدق به عمله فمن أخل بالا اعتقاد و ان شهد و عمل فهو منافق و من أخل بالشهادة فهو كافر و من أخل بالعمل فهو فاسق (ایمان صحیح آن است که مؤمن معتقد به حق باشد و با زبانش از آن سخن گوید و با عملش آن را تصدیق کند و هر کس به شهادت خللی وارد کند کافر محسوب می شود و هر کس به عمل خلل وارد کند فاسق است. چنان چه ملاحظه می گردد صاحب کشف در مناسبت های مختلف از عقاید اعتزالی اش دفاع می کند.

۳- عقل و نقل: زمخشری با نگاه عقلی به تبیین آیات پرداخته و اگر جایی از آیه ظاهراً با عقل در تضاد باشد حمل بر مجاز کرده و از همین روست که در کشف مشهور به تفسیر به رای شده و در ردیف تفاسیر اجتهادی قرار گرفته است. نویسنده بنابر مسلک اعتقادیش عقل را از بقیه منابع (کتاب، سنت و اجماع) مهم تر دانسته است (کشف، ۵۱۷۲). وی می گوید: امش فی دینک تحت رایة السلطان و لا تقع بالروایة عن فلان و فلان (زمخشری، أطواق الذهب، ۴۵) در دینت زیر پرچم برهان و عقل حرکت کن و به روایت این و آن قانع نباش.

زمخشری می گوید: بعثة الرسل من جملة التنبيه على النظر و الا يفاظ من رقدة الغفلة لئلا يقولوا: كنا غافلين فلولا بعثت الينا رسولا ينبهنا على النظر في أدلة العقل (کشف، ۶۵۳۲). بعثت پیامبران



دلیل بر بینش و بیداری از خواب غفلت است تا مردم نگویند چرا خداوند رسولی نفرستاد تا ما را به ادله عقل آگاه کند. البته وی از نقل هم بهره برده و در جای جای تفسیرش روایاتی از پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام، صحابه و تابعین را نقل کرده است.

همچنین به سبب نزول آیات توجه کرده است. به عنوان نمونه در تفسیر آیه ۱۰۴ سوره بقره، ۳۸ سوره قصص، ۴۲ سوره احزاب و ۹۶ سوره مومنون به چشم می خورد. نکته قابل ذکر اینکه نویسنده ضمن استفاده فراوان از روایات، سعی کرده به اسرائیلیات نپردازد.

۴- **قرائات:** در این تفسیر از قرائتهای مختلف یاد شده و معمولاً آن که موافق رأی تفسیری مؤلف بوده مقدم شده است. مثلاً ذیل آیه ۱۶۴ سوره نساء «كَلِمَ اللّٰهِ مُوسَىٰ تَكْلِيْمًا» قرائت شاذ که نصب لفظ جلاله «اللّه» است را مقدم کرده تا موافق با رای معتزله باشد. چون آنها سخن گفتن از طرف خداوند را بعید می دانستند و با این قرائت ثابت شده که موسی با خداوند صحبت کرده است. گاهی هم قرائتی را که موافق با جمال قرآن است در نظر گرفته و بر مبنای بلاغت آن را ترجیح می دهد. مانند تفسیر او در آیه «مالهم به من علم و لا لا بائهم کبرت کلمه...» (الکهف، ۵) می گوید: «قرئ: کبرت کلمه و کلمه: بالنصب علی التمییز و الرفع علی الفاعلیة و النصب أقوى و أبلغ. و فیه معنی التعجب، كأنه قیل: ما أكبرها کلمة» (کشاف، ۷۰۳/۲) به این ترتیب نصب «کلمه» را بلیغ تر دانسته و قرائت عاصم را می پسندد.

۵- **نحو:** زمخشری برای اثبات اعجاز قرآن در مناسبت های مختلف به مباحث نحوی اشاره می کند. او معتقد است برای شناخت علوم اسلامی از جمله فقه و تفسیر نیاز به علم نحو است (مقدمه المفصل، ۲). چه با عدم رعایت اعراب صحیح معنایی مخالف با اراده خداوند افاده می گردد یا اصلاً معنای مورد نظر افاده نمی شود. مثل تفسیر طاعة در آیه «و یقولون طاعة فاذا برزوا من عندک...» (النساء، ۸۱). زمخشری می گوید: «الرفع یدل علی اثبات الطاعة و استقرارها» (کشاف، ۵۳۹/۱).

۶- **لغت:** از موضوعات مهم در قرآن، آگاهی به معنای مفردات آن است. زمخشری به جهت اقامت در مکه و سفرهای متعدد به دقایق الفاظ عربی آشنا بود و در کشف این جهت را در نظر

داشته و معنای کلمه را به گونه ای که با سیاق آیه سازگار باشد تبیین کرده و در این راستا گاه عقاید اعتزالی اش را هم در نظر گرفته است. مثلاً ذیل آیه وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة (القیامة، ۲۲ و ۲۳) می گوید: «تنظر الی ربها خاصة لا تنظر الی غیره... تريد معنى التوقع و الرجاء» به این ترتیب کلمه ناظرة را به معنای توقع نعمت دانسته نه نگرستن مادی با چشم سر (کشاف، ۶۶۲/۴).

۷- شعر: در این تفسیر برای تبیین آیات به اشعار هم استشهد شده که یا سروده مؤلف است مانند تفسیر آیه ۲۶ بقره و یا از اشعار برجستگانی چون جاحظ، مبرد و سیبویه استفاده شده مثل تفسیر او ذیل آیات ۱۹ بقره، ۱۸ آل عمران، ۶۹ مائده و ۱۳ مریم.

۸- فقه: این مفسر حنفی در تفسیرش مباحث فقهی را بدون تعصب مطرح کرده و گاه علاوه بر قول ابوحنیفه، قول شافعی را هم نقل کرده است (کشاف، ۱۲۸/۳) و اغلب در مباحث فقهی گزیده گویی می کند. مانند تفسیر ایاماً معدودات فمن كان منكم مريضاً او على سفر فعدة من أيام اخر ... (البقرة، ۱۸۴) که اشاره به مطلب فقهی آن کرده و می گوید: «واختلف في المرض المبيح الافطار ...» (کشاف، ۲۲۵/۱).

#### دیدگاه برخی دانشمندان در خصوص کشاف

سبکی: کشاف کتاب بزرگی است که نویسنده اش در فن خود پیشواست (معید النعم، ۸۰).  
ذهبی: بزرگترین کتاب زمخشری، کشاف بوده که قبل از آن نظیرش نوشته نشده است (التفسیر و المفسرون، ۴۳۰/۱).

ابن منیر به رغم مخالفت با زمخشری دقت نظر وی را تحسین کرده است (کشاف، ۴۴/۲، حاشیه).

ابن خلکان یکی از آثار بدیع و زیبا را کشاف دانسته و می گوید: پیش از آن همانندی نداشته است (وفیات الأعیان، ۱۶۸/۵).

ابن خلدون هم کشاف را بهترین تفسیر ادبی معرفی کرده و می گوید: مشتمل بر شناخت لغت و اعراب است و بیانگر استواری مؤلف در زبان و بلاغت است (مقدمه، ۴۰۷).

طبری کشف را ستوده و می‌گوید: به راستی که خواندن یا شنیدن الفاظ کشف لذت شنیدن الفاظ نور را دارد و از رونق تازگی برخوردار است و می‌توان گفت که آن کتابی است که با حقیقت و صراط مستقیم منطبق است (جوامع الجامع، ۳ و ۴).

شهید مطهری نیز از این کتاب با عنوان معروف‌ترین و متقن‌ترین تفاسیر اهل سنت یاد کرده که از نظر نکات ادبی بلاغی بین همه تفاسیر ممتاز گشته است (خدمات متقابل اسلام و ایران، ۴۶۲/۲).

#### نتیجه

علامه زمخشری، ادیبی ایرانی و مسلط بر علوم عربیت بود. چیره دستی او در تفسیرش به نام کشف‌الظهور پیدا کرده است. وی در این کتاب جمال قرآن و اسرارش را تبیین می‌کند. کشف بر مسلک اعتزال بنا شده لذا حاکمیت عقل در آن ملاحظه می‌شود، تا جایی که در تعارض عقل و نقل، عقل مقدم شده یا در استبعاد عقلی به مجاز تمسک شده است. گذشته از بعد کلامی، این کتاب می‌تواند به عنوان یک منبع در علوم بلاغت، تفسیر، نحو و لغت مورد استفاده دانش پژوهان قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### ● منابع

- علاوه بر قرآن کریم:
- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، به کوشش محمد اسکندرانی، بیروت، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م.
  - ۲- ابن خلکان، احمد بن محمد، و فیات الاعیان و انباء الزمان، به کوشش احسان عباس، قم، ۱۳۶۴ش.
  - ۳- ابن عماد، عبدالحی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب بیروت، بی تا.
  - ۴- ابو موسی، محمد، البلاغه القرآنیة فی تفسیر الزمخشری و اثرها فی الدراسات البلاغیة، قاهره، ۱۴۰۸ق.
  - ۵- امین، احمد، ضحی الاسلام، قاهره، بی تا.
  - ۶- بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیة منهم، بیروت، ۱۴۰۸ق.
  - ۷- بهرامی، محمد، تلاشهای قرآنی معتزله، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳، ۱۳۷۴ش.

- ٨- بيضاوي، عبدالله بن عمر، انوار التنزيل واسرار التأويل، قاهره، ١٣٨٨ق/١٩٦٨م.
- ٩- جاحظ، عمرو بن بحر، الحيوان، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، بيروت، ١٣٨٨ق.
- ١٠- جرجاني، عبدالقاهر، دلائل الاعجاز، بيروت، ١٣٩٨ق.
- ١١- حاجي خليفه، مصطفى، كشف الظنون، تهران، بي تا.
- ١٢- حوفي، احمد، الزمخشري، قاهره، بي تا.
- ١٣- داودي، محمد بن علي، طبقات المفسرين، به كوشش علي محمد عمر، مكتبه وهبه، ١٣٩٢ق، بي جا.
- ١٤- ذهبي، محمد حسين، التفسير و المفسرون، بيروت، ١٣٩٦ق/١٩٧٦م.
- ١٥- رافعي، مصطفى، اعجاز القرآن و البلاغة النبوية، بيروت، ١٤٢١ق/٢٠٠٧م.
- ١٦- زرقاني، محمد، مناهل العرفان في علوم القرآن، به كوشش فواز احمد زمزلي، بيروت، ١٤٢٣ق.
- ١٧- زمخشري، محمود بن عمر، أطواق الذهب في المواعظ و الخطب، بيروت، ١٣١٤ق.
- ١٨- همو، ربيع الأبرار و نصوص الاخبار، به كوشش سليم التعيبي، قم، بي تا.
- ١٩- همو، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، تهران، نشر ادب الحوزة، بي تا.
- ٢٠- همو، المفصل في النحو، كريستيانين، ١٨٧٩م.
- ٢١- سبكي، عبدالوهاب، معيد النعم و ميد النقم، به كوشش محمد علي نجار، قاهره، ١٣٦٧ق/١٩٤٧م.
- ٢٢- سمعاني، عبدالكريم، الانساب، بيروت، بي تا.
- ٢٣- شهرستاني، محمد بن عبدالكريم، الملل و النحل، بيروت، ١٩٩٨م.
- ٢٤- صاوي، مصطفى، منهج الزمخشري في تفسير القرآن و بيان اعجازه قاهره، ١٣٢٨ش.
- ٢٥- ضيف، شوقي، المدارس النحوية قاهره، ١١١٩م.
- ٢٦- طبرسي، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، ١٣٧٧ش.
- ٢٧- فخر رازي، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، بيروت، بي تا.
- ٢٨- قفطي، علي بن يوسف، انباء الرواة على انباه النحاة، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٣٧٤ق.
- ٢٩- كحاله، عمر رضا، معجم المؤلفين، بيروت، بي تا.
- ٣٠- گلنديه، مذهب التفسير الاسلامي، به كوشش عبدالحليم نجار، قاهره، ١٣٧٤ق/١٩٥٥م.
- ٣١- لکنوي، عبدالحی، الفوائد البهية في تراجم الحنفية، بيروت، ١٣٣٤ق.
- ٣٢- مجموعه مقاله های کنفرانس بين المللی جارالله زمخشري، عشق آباد، ١٣٨٢ش.
- ٣٣- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ايران، قم، ١٣٦٢ش.
- ٣٤- موسوي، هادي، اندیشه معتزلي زمخشري، ماهنامه دين، شماره ٨، ١٣٨٢ش.
- ٣٥- مهدوي زاد، محمد علي، سير نگارش های علوم قرآني، تهران، ١٤٢١ق.
- ٣٦- يافعي، عبدالله، مرآة الجنان و عبوة اليقظان في معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان، بيروت، ١٣٩٠ق/١٩٧٠م.
- ٣٧- ياقوت، معجم الادباء، بيروت، بي تا.
- ٣٨- لوح فشرده قرآن حكيم، موسسه فرهنگي حكيم نور.